

## سیاست اقتصادی احمد آق قویونلو

رضا رضازاده لنگرودی\*

سیاستهای اقتصادی دوره آق قویونلوها عمدتاً بر پایه نظام زمینداری و نظام دامداری قبیله‌ای نهاده شده بود. با سرازیر شدن عشایر مغول به ایران و سکونت آنان در بخشهایی که دارای مراتع و چراگاههای فراوان بود، تاتارها با خانوارهای خود بدون ادغام شدن در اقتصاد ایران به طور مستقل به دامداری و تولید دامی پرداختند. با این حال در کنار نظام اقتصادی دامداری، نظام زمینداری قدیمی ایران، مبتنی بر تولیدات کشاورزی همچنان ادامه یافت و این دوگانگی با همه صدماتی که در این دوره به تولید کشاورزی در برخورد با تولید دامی وارد آورد، تا دوره آق قویونلوها نیز ادامه داشت.

اوج شکوفایی حکومت آق قویونلوها در دوران فرمانروایی حسن پاشا مشهور به اوزون حسن (درگذشت ۸۸۲) از دودمان بایئدریان بود که قبایل کوچ‌نشین ترکمن را متحد کرد. در عصر فرمانروایی او وضع مالی کشور با

مقرراتی تثبیت شد که اسناد اصلی آن از دست رفته است. دانسته‌های ما درباره این مقررات مالی که به «قانون‌نامه»<sup>۱</sup> معروف شد، مبتنی به اشاره‌های اندکی است که گه‌گاه مورخان<sup>۲</sup> از آن به عنوان «دستور حسن بیگ» یا «قانون حسن پاشا» یاد کرده‌اند.<sup>۳</sup> موادی از این قانون‌نامه در سرزمینهای دیار بکر، ماردین، ارغنی، ژها، ارزنجان،<sup>۴</sup> خرپوت، بیره‌جوک و چرموک از روزگاری که این سرزمینها، غربی‌ترین بخش متصرفات اوزون حسن را تشکیل می‌داده در دست است.<sup>۵</sup>

در این که اوزون حسن توانسته باشد در مدت دوازده سال فرمانروایی خود این مقررات نظامی - مالی و سیاسی قانون‌مند را در قلمرو حکومت خود که از دیار بکر تا فارس گسترده بود به موقع اجرا گذارد، محل تردید است. به گمان والترهینتس که به دلایل متقن متکی است، قانون‌نامه اوزون حسن عمدتاً رسوم محلی گوناگون را که بخشی از آنها از روزگاران قدیم باقی مانده بود، تثبیت و تأیید کرده است.<sup>۶</sup> اوزون حسن به قصد اصلاحات

۱. بارکان تعداد هشت سند از قانون‌نامه‌های منسوب به اوزون حسن را که بیشتر آنها در ولایت آناتولی شرقی اجرا می‌شده است در مجله تاریخ وثیقه‌گیری، ج ۱، بخش ۲، ص ۹۱-۱۰۶ و بخش ۳، ص ۱۸۴-۱۹۷ منتشر کرده است. این اسناد در «دفاتر نفوس و جمعیت» در آرشیو نخست وزیر ترکیه نگاهداری می‌شود. این قانونها در دوره امپراتوری عثمانی نیز با توجه به شرایط و زمانهای مختلف به اجرا گذاشته می‌شد. والترهینتس خلاصه روشن و مستدلی از آنها را در مقاله «نظام مالیاتی در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی» در مجله انجمن شرق شناسان آلمان به دست داده است. برای این اسناد نگاه کنید به:

Ömer Lütfü Barkan, "Osmanlı devrinde Akköyünlü hükümdarı Uzun Hasan beye ait Kanunlar", *Türk Tarih Vesikaları*, Ankara, 1941, Vol I(2) pp. 19-106 and Vol 3, pp. 184-197; Walther Hinz, "Das steuerwesen Ostanatoliens im 15. und 16. Jahrhundert" *Zeitschrift der Deutsche Morgenländischen Gesellschaft*, 1950, Vol 100, pp. 177-201.

۲. عبدالله بن فتح‌الد بغدادی، التاريخ الغیائی، دراسة و تحقیق طارق نافع الحمدانی، بغداد، ۱۹۷۵، ص ۳۹۲.

3. V. Minorsky, "The Aq-qoyunlu and Land Reforms", in *Iranica Twenty Articles*, Tehran, 1964, p. 228. 4. Barkan, *op. cit.*, vol. I (2), pp. 96-106. 5. Hinz, *ibid.*, pp. 179-180.

6. *ibid.*, P. 180.

اقتصادی برآن بود که مالیات تمغا<sup>۱</sup> را براندازد، و چون درباریان در این باره با وی یک رأی نبودند، تنها مالیات تمغا را به نیم کاهش داد و کمتر از آنچه شاهان پیشین می‌گرفتند، دریافت کرد.<sup>۲</sup> وی مالیات اراضی را که در سراسر مملکت گرفته می‌شد یکسان کرد و قانون نامه را برای رسیدگی به شکایات<sup>۳</sup> و مرافعات آنان و تعیین تعزیرات و جرایم و جزآن نوشت و به تمامی سرزمینهای زیر نظر خود فرستاد تا بدان عمل کنند.<sup>۴</sup> بعدها این سیاست مالیاتی اوزون حسن را یعنی، مالیات گیری از زمین و محصولات آن، گله‌های گاو و گوسفند، آسیابها و فعالیتهای آبیاری<sup>۵</sup> با برخی دگرگونیها به عنوان الگوهای عدالت برای دهقانان، عشایر و شهرنشینان، موقتاً عثمانیان اتخاذ کردند،<sup>۶</sup> به رغم ستایش از سیاستهای اوزون حسن بعضی از اقدامات او در میان آق قویونلوها مورد پذیرش همگانی قرار نگرفت.<sup>۷</sup> سلطان یعقوب (درگذشت ۱۱ صفر ۸۹۶) فرزند اوزون حسن برآن سر بود که از مالیاتها بکاهد، بدین منظور در ۸۸۴ مالیات پرداخت نشده عراق عجم را

۱. تمغا عنوان مالیات راهداری و عوارضی است که در معابر، دروازه‌ها و بنادر از کالاهای بازرگانی می‌گرفته‌اند. تمغا در ابتدا مالیاتی بود که از مال‌التجاره می‌گرفتند. تمغا در دوره مغول بالغ بر ۱۲۴۰ سرمایه می‌شده است. این عنوان در دوره ایلخانان تداول یافته و در عهد صفویه و بعد از آن نیز رایج بوده است. Minorsky, op. cit, p. 229, note 2.

۲. فضل‌الله بن روزبهان، تاریخ عالم‌آرای امنی، چاپ جان وودز، شیکاگو، ۱۹۹۰، ص ۱۷۷.

۳. پیربوداق منشی در جواهرالآخبار، ص ۲۰۷ الف می‌نویسد:

«اوزون حسن چون نماز صبح می‌کرد نقاره عدل می‌زدند که این علامت دیوان پرسیدن بود خود می‌آمد و لباس درویشانه پوشیده کمری از پشم در میان بست و پوستین بره که ابره نداشت و کناره از پوست بره برآن ترتیب می‌کردند در برداشت برسر تخت زرین قرار می‌گرفت و از چپ و راست پادشاه زاده‌ها و امرا قرار می‌گرفتند و هرکس از فقیر و درویش که می‌آمد پیش می‌طلبیدند و پروانچی عجزه و مساکین در آن دوره اعتبار داشت سخن فقیران را می‌گفت و در مقام مهم سازی می‌شد به یک کلمه از هم می‌گذشت منشیان بلاغت دثار حاضر بودند احکام می‌نوشتند و می‌دادند و آن فقیر خلاص می‌شد و آن حکم را ثبات و بقا بود و مطلق تغییر و تبدیل نداشت.»

John Woods, *The Aqqyunlu Clan, Confederation, Empire*, Minneapolis and Chicago, 1976, p. 267, note, 89.

۴. غیائی، تاریخ‌الغیائی، ص ۱۷۷.

5. Barkan. op.cit, p. 96.

6. Woods, op.cit, p. 122.

7. ibid, p. 122.

بخشید<sup>۱</sup> و در ۸۹۳ به هنگام تعیین مالیات گیلان، جانب اعتدال را نگه داشت.<sup>۲</sup> در دوران سلطان یعقوب افزون بر مالیات ارضی، مالیات تمغا همچون مرده‌ریگی که از زمان تیموریان به جا مانده بود، دریافت می‌شد. بخشی از درآمد آق‌قویونلوها از محل مالیات و عوارضی تأمین می‌شد که بر گروهی از ارامنه، اعراب و کردهای اسکان یافته، بسته بودند. چنانکه عوارض شاهراههای بازرگانی سراسر آناتولی شرقی نیز منبع دیگر درآمد آنان بود.<sup>۳</sup>

از دیگر ابتکارها و اصلاحات برخی فرمانروایان آق‌قویونلو، برقراری حکومتی متمرکز بود، که هرگز تحقق نیافت. سلطان یعقوب با اصلاحات ارضی خود به جایگاه درباریان خویش لطمه زد و برخی از آنان را به دشمنی با خود برانگیخت.<sup>۴</sup> سلطان یعقوب در اواخر دوره پادشاهی خود برای تکمیل اقدامات پدر و از بین بردن مقررات مالیاتی مغولان که با احکام اسلامی ناسازگاری داشت و جایگزین کردن احکام اسلامی به جای آن قوانین، کوششی به عمل آورد که قرین توفیق نشد.

### نهاد شیورغال در دوره آق‌قویونلو:

نظام اعطای زمین از دوره سلجوقیان و پیشتر از آن به گونه‌های مختلف معمول شده بود و بنابراین رسم، امیران به جای دریافت حقوق از پادشاه، از سود حاصل از زمینهای معینی که به صورت اقطاع موروثی در اختیارشان قرار می‌گرفت بهره می‌بردند. یکی از رایجترین رسوم پرداخت حقوق به عمال دیوانی در قرن نهم هجری آیین مشهور به شیورغال بود که از ایام جلایریان رواج یافت.<sup>۵</sup> این شیوه در اداره امور دولتی و زندگی اجتماعی

۱. فضل‌الله بن روزبهان، ص ۱۷۷.

2. Hinz, *op.cit.*, p. 179. 3. V. Minorsky, *ibid.*, p. 180ff.

4. V. Minorsky, *op.cit.*, p. 180.

۵. نخستین نوشته تحقیقی درباره احمد آق‌قویونلو مقاله ارزشمندی است به زبان روسی ←

ایران تا دوره معاصر نقش مهمی داشته است، چنانکه ترکمانان همواره در کاربرد آن به گونه سنتی وفادار ماندند.<sup>۱</sup> نهاد دولتی و اجتماعی سُیورغال منسوب به سده‌های ۸ و ۹ هجری و جایگزین رسم قدیمتر اقطاع است که در روند تکامل نظام «فتودالی» ایران جایگاهی والا داشته است. پطروشفسکی در مقاله ارزشمند خود به نام «درباره تاریخ نهاد سُیورغال آ»<sup>۲</sup> برای نخستین بار تعریف روشنی از این اصطلاح به دست داده است. وی با بهره‌گیری از منابع ترکی و ارمنی سده‌های ۹ تا ۱۱ هجری مسائل رشد و تکامل سُیورغال را بررسی کرده است. سُیورغال در واقع شکل کاملتری از سنت دیرینه اقطاع است که نه تنها درآمدهای آزاد منطقه مورد نظر، بلکه درآمد مالیاتی را دربر می‌گیرد.<sup>۳</sup> اصطلاح سُیورغال، مفعولی است و به نظر می‌رسد که یکی از معانی آن تفضّل و التفات باشد.<sup>۴</sup> این اصطلاح در سده‌های ۷ و ۸ هجری ظاهراً مفهوم تأمین در معنی بسیار وسیع آن را تداعی می‌کرده است. در حقیقت سُیورغال به معنی واگذاری یک رشته مزایا به خدمتگزاران، در ایام کار و بیکاری بوده است. این مفهوم گسترده که ظاهراً با معنی و مراد سُیورغامیشی<sup>۵</sup> قرابت دارد در کتاب خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز به چشم می‌خورد. این نکته که در آن سده چه نسبت و پیوستگی بین

← با عنوان «سیاست داخلی احمد آق قویونلو»، از ایلیا پارلوویچ پطروشفسکی. این مقاله نخستین بار در ۱۹۴۲ منتشر شد و پس از آن مجدداً در کتاب مجموعه مقالات درباره تاریخ آذربایجان در باکو در ۱۹۴۹ به چاپ رسید. این مقاله را دیرینه دوست دانشمند جناب آقای دکتر عنایت‌الله رضا در نهایت بزرگواری ترجمه نموده و در اختیارم گذاشتند. برای مشخصات این مقاله نگاه کنید به:

I. P. Petrushevsky, "Vnyutrennyaya Politika Akhmeda", *Sbornik Statei Po Istorii*

*Azerbaidzhana*, Vol I. Baku 1949, p. 145.

1. Heribert Busse, *Untersuchungen zum Islamischen Kanzleiwesen, An Hand*

*Turkmenischer und Safawidischer Urkunden*, Kairo, 1959, p. 97.

2. Petrushevsky, "K Istorii Instituta Soyorgala", *Sovetskoe Vostokovedenie*, vol. VI, 1949,

p. 227. 3. Petrushevsky, "Vnyutrennyaya ...", p. 145. 4. id, "K Istorii ...", p. 227.

5. Gerhard Doerfer, *Türkische und Mongolische Elemente im neupersischen*, Wiesbaden, 1963, vol I, pp.353-354.

اصطلاحات سیورغامیشی و اقطاع وجود داشته است به گمان پطروشفسکی مسئله‌ای است که تاکنون حل آن ناممکن مانده است.<sup>۱</sup> آنماری فون‌گابن اصطلاح سُیورغال را از واژهٔ چینی ts, ll مشتق می‌داند.<sup>۲</sup> در حقیقت واژهٔ اخیر در زبان چینی به معنای نیکوکار و مهربان و «اورغا» به مفهوم خدا رحم کند، آمده است.<sup>۳</sup> از نخستین فرمانهایی که در خصوص چیزی سُیورغال مانند، در دورهٔ ابوسعید بهادرخان در نیمهٔ اول سدهٔ ۸ هجری صادر شده است فرمانی است که به موجب آن بخشی از مُغان همراه با مصونیت مالیاتی به صورت موروثی به شیخ زاهد واگذار شده است.<sup>۴</sup> در منابع دورهٔ جلایریان<sup>۵</sup> و تیموریان از سُیورغالیهای بسیاری سخن رفته است، اما از امتیازات و مصونیت‌های سیورغالیهای آن زمان سخن به میان نیامده است.<sup>۶</sup> مثلاً در ظفرنامه که بعد از فتح خراسان به دست صاحب قران گیتی ستان و از دم تیغ گذشتن جمعی از اهالی جوین «آن قریه بسیورغال از اقطاع امیر حاجی گشت و تا غایت اهالی آنجا بارکش و کارگزار ایشانند.»<sup>۷</sup> در سدهٔ هشتم سُیورغال در معنایی به کار می‌رفت که تا اندازه‌ای شبیه به مفهوم اقطاع‌داری<sup>۸</sup> بود و در سدهٔ بعد

1. Annemarie Von Gabain, *Altürkische Gramatik, mit bibliographie, Lesestücken und Wörterverzeichnis, auch neutürkisch*, Leipzig 1950, p.344.

2. Petrushevsky, "k Istorii ...", pp.227-228.

3. Busse, *untersuchungen zum Islamischen Kanzleiwesen* p.97; G. Doerfer, *ibid*, vol I, p.351.

4. Francis Cleaves, "The Mongolian Document in The musée de Téhéran", *Harvard Journal of Asiatic Studies*, vol. XIV, 1953, p.107.

۵. شمس منشی، محمدبن هندوشاه، دستورالکتاب فی تعیین المراتب، چاپ عبدالکریم علی‌اوغلی علی زاده، مسکو، ۱۹۷۱، جزء دوم، ص ۲۵۱، ۴۲۳، ۴۹۳.

۶. فرهاد نعمانی، تکامل فتودالیسم در ایران، تهران ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۲۲۹.

۷. یزدی، شرف‌الدین علی، ظفرنامه، چاپ عصام‌الدین ارونیایوف، تاشکند، ۱۹۷۲، ص ۲۱۸.

۸. به نوشتهٔ لمبتون بعضی از ویژگیهای سلجوقی در سُیورغال راه یافت.

A.K.Lambton, *Continuity and Change in Medieval Persia: Aspect of Administrative, Economic, and Social History, 11th-14th Century*, Bibliotheca Persia, Columbia, 1988, p.129.

اصطلاح تیول جای آن را گرفت. معین‌الدین نطنزی می‌گوید که اباقابه یوسف شاه، اتابک لرستان در برابر شجاعتی که در لشگرکشی اباقابه گیلان از خود نشان داده بود از فارس و خوزستان، کوه گیلویه و از عراق، فیروزان و جربادقان (گلپایگان) را سُیورغال او فرمود و به گفته همو، از یوسف شاه خواست که ولایات سیورغالی را تصرف کند.<sup>۱</sup> عبدالرزاق سمرقندی (درگذشت ۸۸۷) اصطلاح سیورغال را به معنی واگذاری ولایتی به کار می‌برد. به گفته عبدالرزاق هنگامی که امیر تیمور رو به خراسان نهاد، حصار شادمان را به عنوان سُیورغال به میرزا جهانگیر پسر محمد سلطان، داد و نواب او را مأمور محصول آن ولایت کرد.<sup>۲</sup> در کتاب *احیاء الملوک* آمده است که امیر تیمور، ملک قطب‌الدین را پس از مرگ پدرش در ۸۰۵ بخواند و سیستان و همه سیورغالات جد متوفای اش را به او داد، اما روشن نیست که این واگذاری شامل عین املاک بوده است یا اعطای عایدات آن.<sup>۳</sup> ابوبکر طهرانی می‌نویسد: «قراحصار ضمیمه سیورغال او [یعقوب بیگ] گشت و ترجانات برادرزاده عثمان بیک، موسی بیک نام به رسم سیورغال مخصوص شد».<sup>۴</sup> از نوشته ابوبکر طهرانی نیز معلوم نمی‌شود که عین املاک به این افراد واگذار شده است یا عواید آنها. در اواخر دوره تیموریان، اگرچه سیورغال در معنی واگذاری زمین یا عواید آن با تیول مترادف بود، ظاهراً در معنی معافیت از مالیات نیز که غالباً ارثی بوده به کار می‌رفته است. سُیورغال در حکومت آق قویونلو نیز مرسوم بود و تفاوت آن با اقطاع در این است که گذشته از معافیت مالیاتی، صاحب سُیورغال از اجرای قوانین خاصه کشوری مصون و

۱. نطنزی، معین‌الدین، *منتخب التواریخ معینی*، چاپ ژان‌اوین، تهران، ۱۳۳۶ ش، ص ۴۵.

۲. کمال‌الدین، عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، چاپ محمد شفیع، لاهور ۱۹۴۹، (۱) ۲، ص ۱۳۸.

Lambton, op.cit, p.117.

۳. ملک‌شاه حسین سیستانی، *احیاء الملوک*، چاپ منوچهر ستوده، تهران ۱۳۴۴، ص ۱۰۷.

۴. ابوبکر طهرانی، *دیاریکریه*، چاپ نجاتی لوغال و فاروق سومر، آنکارا، ۱۹۶۲-۱۹۶۴، ج ۱،

از حکومت مرکزی مستقل است. این مصونیت، سُیورغال‌دار را در اجرای امور قضایی و نظامی مطلق‌العنان می‌کرد و معنی معافیت از پرداخت مالیات آن بود که صاحب سُیورغال آنچه را که در گذشته می‌باید به خزانه حکومت مرکزی واریز می‌کند، پس از وصول از رعیت به نفع خودش ضبط می‌کرد.<sup>۱</sup> عنوان سُیورغال در آذربایجان برای نخستین بار در آخرین ربع سده ۸ به چشم می‌خورد،<sup>۲</sup> بدین معنی که وقتی قرایوسف قراقویونلو در ۸۱۳ در رأس حکومت قرار می‌گیرد در آذربایجان، قراباغ، ارمنستان، به میزان وسیعی سُیورغال اعطا می‌کند.<sup>۳</sup> اوزون حسن آق‌قویونلو نیز وقتی در آذربایجان حاکمیت خود را تثبیت می‌کند به عنوان مواجب سُیورغال می‌دهد.<sup>۴</sup> وی در سال ۸۷۵ «سلطنت مملکت خراسان» را به پسرش یادگار محمد واگذار می‌کند و «مال و متوجهات» آن ناحیه را به سُیورغال وی در می‌آورد.<sup>۵</sup> سلطان یعقوب آق‌قویونلو نیز به منظور تحکیم شرایع دینی، دستور می‌دهد برای سادات، قضات و علما، سُیورغال معلوم کنند.<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد که در سده ۹ همه فرمانروایان به سران قوم، سُیورغال اعطا می‌کرده‌اند. آخرین این فرمانروایان، رستم‌بیگ آق‌قویونلو است که مقدار قابل توجهی سُیورغال اعطا کرده است. به گفته قزوینی، رستم‌بیگ پادشاهی بسیار بخشنده است و سُیورغالات و وظیفه‌هایی که او برای ارباب استحقاق برقرار می‌کند با سُیورغالات دیگر پادشاهان قراقویونلو و آق‌قویونلو قابل مقایسه نیست.<sup>۷</sup> در این دوره، اعطای سُیورغال به عنوان مواجب به مقیاس وسیعی نه تنها در آذربایجان، بلکه در عراق و آسیای مرکزی رایج بود. در این زمان سُیورغال

1. Petrushevsky, "Vnyutrennyaya ...", p.145. 2. id, "K Istorii ...", p.227.

3. id, "Vnyutrennyaya ...", p.145.

۴. قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، لب‌التواریخ، تهران ۱۳۶۳، ص ۳۵۸.

5. Busse, op.cit, pp.151-152.

۶. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، چاپ محمد

دبیرسیاقی، تهران ۱۳۵۳، ج ۴، ص ۴۴۳. ۷. قزوینی، ص ۳۶۸.



همانند اقطاعی موروثی بود که تحت شرایطی به خدمت گزاران پادشاه اعطا می شد، هر سلطان جدید نیز معمولاً به هنگام جلوس به تخت سلطنت، احکام جدیدی صادر می کرد که در آن سیورغالهای پیشین تأیید می شد. سیورغال به دارنده آن اختیاراتی همانند اقطاع در دوره حاکمیت در سده های ۷ و ۸ می داد. سیورغال با اقطاع تفاوت داشت، این تفاوت بیش از هر چیز به عواملی مانند، وسعت اراضی بخشیده شده، برمی گشت. سیورغال اعطائی قرایوسف قراقویونلو به امیربابا حاجی گاوردی<sup>۱</sup> شامل قلعه گاوردی با ۶۰۰ قریه و مزرعه دیگر بود. امیر شمس الدین روزکی چهار ولایت بزرگ در جنوب ارمنستان را از قرایوسف قراقویونلو به عنوان سیورغال گرفت.<sup>۲</sup> در ضمن سیورغالهای کوچک مانند یک روستا یا حتی بخشی از آن نیز وجود داشت. صاحبان روستاها در دوره حاکمیت مغول تنها از مصنوعیت مالیاتی برخوردار بودند، اما در دوره ترکمانان به هیچ یک از صاحب منصبان اجازه داده نمی شد که در اداره منطقه سیورغال مداخله کنند و حتی به آنجا بروند. در حکم یادشده قرایوسف این ممنوعیت با واژه های «مدخل نساژند و پیرامون نگردند»<sup>۳</sup> مشخص بود. در فرمان سیورغال قاسم پسر جهانگیر در ۹۰۳ ممنوعیت بدین گونه قید شده است: «قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند»<sup>۴</sup>. در فرمان قاسم پسر جهانگیر از ۳۱ واژه مالیاتی و بهره مالکانه پرداختی رعایا یاد شده است.<sup>۵</sup> در این دوره نه تنها ایران و روحانیان، بلکه دیوانیان عالیرتبه

۱. میرخواند محمد بن خاوندشاه، *روضه الصفا فی سیرت الاولیا والملوک والخلفا*، تهران ۱۳۳۸-۱۳۳۹، ج ۶، ص ۶۲۶ در چاپهای متعددی که از کتاب *روضه الصفا* در دست است، نام امیربابا، گاوردی یاد شده است که درست به نظر نمی رسد. نام گاوردی از روی تهذیب جدید این کتاب که بتازگی به همت استاد علامه دکتر زریاب انجام پذیرفته، اصلاح شده است. *روضه الصفا*، چاپ عباس زریاب، تهران ۱۳۷۳، ص ۱۱۴۸.

۲. بدلیسی، شرف الدین بن شمس الدین، *شرفنامه*، چاپ ویلیمینوف زرنوف، سنت پترزبورگ، ۱۸۶۰-۱۸۶۲، ج ۱، ص ۳۷۶-۳۷۸.

3. Petrushevsky, "K Istorii ...", p.234. 4. *ibid*, p.234.

۵. حسینی، میرزا حسن، *فارستامه ناصری*، چاپ منصور رستگار فسایی، تهران ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۵۸.

V. Minorovsky, "A soyürqāh of Qāsim b. Jahāngir Aq-qoyunlu (903/1498)", *Bulletin of the*

نیز سُیورغال دریافت می‌داشته‌اند. به عنوان نمونه در سندی که به تاریخ ۹۰۴ الوند آق‌قویونلو صادر کرده است، موضع نهرآس واقع در نزدیکی گلپایگان به سُیورغال ابدی خواجه جلال‌الدوله وزیر شاه واگذار شده است.<sup>۱</sup> این سُیورغال از پرداخت عوارض بیشماری معاف بوده و مصونیت اداری داشته است، البته باید در نظر داشت که اگرچه صاحبان سُیورغال از پرداخت مالیاتهای گوناگون معاف می‌شدند، اما صاحب سُیورغال این عوارض و مالیاتها را به نفع خود از رعایا می‌ستانده است. بدین ترتیب، کماکان بار عمده مالیات بردوش دهقانان باقی می‌ماند. با این حال به سبب مصونیت‌های صاحب سُیورغال، وابستگی رعیت به وی افزایش می‌یافت.<sup>۲</sup> سُیورغال با مرگ سلطانی که آن را هدیه کرده بود یا با مرگ دریافت‌کننده اصلی آن قابل واگذاری به دیگری یا تجدیدنظر نبود و سُیورغالها معمولاً فسخ و نقض نمی‌شدند.<sup>۳</sup> با مرگ مالک، سُیورغالها به وارث قانونی وی می‌رسید. این وراثت در صورتی که استحقاق خود را اثبات می‌کردند، صدور فرمان جدیدی را درخواست می‌کردند و بیشتر این فرمانها بدون اشکال تهیه می‌شد.<sup>۴</sup>

#### احمد آق‌قویونلو:

پس از مرگ سلطان یعقوب آق‌قویونلو در مدت ۱۰ سال جنگهای داخلی بین امیران اتحادیه آق‌قویونلو،<sup>۵</sup> هشت مدعی به نامهای بایسنقر، مسیح، محمود، رستم، احمد، محمدی، مراد و الوند<sup>۶</sup> قد علم کردند. امیران متنفذ و خویشاوندان شاهان از سوی آنان به عنوان افراد صاحب نفوذ اداره امور را

*School of Oriental Studies*, vol.IX. (1937-1939), pp. 928-931.

۱. حسین مدرسی طباطبائی، فرمانهای ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو، قم ۱۳۵۲، ص ۱۲۳-۱۲۷.

2. Petrushevsky, "Vnyutrennyaya ...", p146. 3. Busse, op.cit, pp.149-153.

4. ibid, p.149ff.

۵. فضل‌الله بن روزبهان، ص ۴۵۳.

6. H.R.Roemer, *Persien auf dem weg in die neuzeit*, Beirut 1989, pp.215-216.

موقتاً در دست گرفتند که از آن جمله می‌توان به صوفی خلیل، سلیمان بجان اوغلی و آیه سلطان<sup>۱</sup> در دوران پادشاهی رستم و جانشین او احمد اشاره کرد. یکی از پادشاهان این دوره احمد بیگ است که نقشه درهم شکستن نیروی سران چادر نشینان را پی افکند. وی در این کار با روحانیون و دیوان سالاران غیر نظامی متحد شد و با مردم آذربایجان همدردی نشان داد و مورد حمایت آنان قرار گرفت. نکته جالب در زندگی سیاسی احمد بیگ آق قویونلو کوشش او در راه تغییر سیاست اقتصادی کشور است که گزارشی چند در این باب از مورخان هم‌روزگار او در دست است.<sup>۲</sup>

قدیمترین تاریخنگاری که در باب سیاست مالی او مطالبی نوشته است خواندمیر است.<sup>۳</sup> پس از او دانسته‌های یحیی بن عبداللطیف قزوینی در لب‌التواریخ<sup>۴</sup> معتبر است. حسن بیگ روملو که بخوبی با تاریخ ترکمانان آشنا بوده در احسن‌التواریخ<sup>۵</sup> دقیقاً نوشته‌های نویسنده لب‌التواریخ را تکرار می‌کند و حتی اصطلاحات او را به کار می‌برد. افزون بر منابع مهم یاد شده، این کتابها که بیشتر آنها تاکنون به صورت خطی باقی مانده‌اند برای شناخت سیاسی احمد آق قویونلو خالی از اهمیتی نیستند:

تحفة‌التواریخ یا تاریخ همایونی،<sup>۶</sup> تاریخ جهان‌آرا،<sup>۷</sup> هشت بهشت،<sup>۸</sup>

۱. ابراهیم بن دناخلیل ملقب به آیه سلطان (شاید آیه) از دودمان بایندریان بود. او فرزند دناخلیل و از نوادگان قراعثمان بنیان‌گذار اتحادیه آق قویونلو بود. این مرد حادثه‌جو بعدها زوال سلسله آق قویونلو را فراهم ساخت. آیه سلطان در رقابتهایی که میان جانشینان یعقوب برسر فرمانروایی در گرفت نقش بسیار مهمی داشت. او در شوال ۹۰۴ در نبردی با محمدی میرزا شکست خورد و به قتل رسید. قزوینی، ص ۳۷۵؛

Minorsky, *ibid*, p.237, note 4.

2. I. Petrushevsky, "Vnyutrennyaya Politika Akhmeda", p.148; Minorsky, «The Aq-Qoyunlu...», p.238.

۳. خواندمیر، ج ۴، ص ۴۴۲-۴۴۳. ۴. قزوینی، ص ۳۷۱-۳۷۳.

۵. روملو، حسن، احسن‌التواریخ، چاپ عبدالحسین نوائی، تهران ۱۳۵۷، ص ۲۴-۲۹، ۳۲.

۶. ابراهیم بن جریر، تاریخ همایونی، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۸۷۳،

ص ۳۹۹-۴۰۰. ۷. غفاری، قاضی احمد، تاریخ جهان‌آرا، تهران ۱۳۴۳، ص ۲۵۵-۲۵۶.

جواهر الاخبار،<sup>۹</sup> شرفنامه،<sup>۱۰</sup> تاریخ ایلچی،<sup>۱۱</sup> مرآة الادوار،<sup>۱۲</sup> تکملة الاخبار،<sup>۱۳</sup> خلدبرین،<sup>۱۴</sup> تاریخ القی،<sup>۱۵</sup> جامع الدول یا صحائف الاخبار،<sup>۱۶</sup> تاج التواریخ،<sup>۱۷</sup> تاریخ قزلباشان<sup>۱۸</sup> و زبدة التواریخ.<sup>۱۹</sup>

احمد بیگ فرزند اوغورلو محمد پسر ارشد اوزون حسن بود که پس از جنگ اوتلق بلی بر ضد پدر سر به شورش برداشت و به سبب ناکامیهای در ۸۷۹ به بغداد گریخت و از آنجا به عثمانی رفت و این نکته اوزون حسن را نگران ساخت. سلطان محمد دوم فاتح او را با مهربانی بسیار پذیرفت.<sup>۲۰</sup> سلطان عثمانی که با اوزون حسن دشمنی داشت حضور مدعیان سلطنت آق قویونلو را در دربار خود مغتنم دانست و ازینرو دختر خود گوهرخان سلطان را به اوغورلو محمد به زنی داد.<sup>۲۱</sup> اوغورلو محمد در ۸۸۲ یعنی،

۸. بدلیسی، ادریس بن حسام الدین، هشت بهشت، نسخه خطی موزه بریتانیا، ش ۷۶۴۶، ص ۱۴۶ الف.

۹. پیربوداق منشی، جواهر الاخبار، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۲۷۸ الف.

۱۰. بدلیسی، ص ۳۷۶ به بعد.

۱۱. حسینی، خورشاهین قباد، تاریخ ایلچی نظام شاه، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۳۲۳، ص ۱۳-۱۴.

۱۲. لاری، مصلح الدین، مرآة الادوار و مرآة الاخبار، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۳۳۳، ص ۲۳۰ ب.

۱۳. نویدی، زین العابدین عبدالؤمن، تکملة الاخبار، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، ش ۳۸۹۰، ص ۵۶۶.

۱۴. واله اصفهانی، محمدیوسف خلدبرین، نسخه خطی کتابخانه ملک، ش ۴۱۷۶، ص ۳۱۷.

۱۵. تنوی، احمد بن نصرالله، تاریخ القی، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۲۳۳، ص ۵۶۶.

۱۶. منجم باشی، احمد بن لطف الله، جامع الدول، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۵۱۷۱، ص ۳۹۵. ۱۷. سدیدالدین، تاج التواریخ، استانبول ۱۲۷۹، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۱۸. تاریخ قزلباشان، چاپ هاشم محدث، تهران ۱۳۶۱ ش، ص ۱۸-۱۹.

۱۹. محمد حسن بن محمد کریم، زبدة التواریخ، نسخه خطی، ش Or. 3498، ذیل آق قویونلو.

۲۰. غفاری، ص ۲۵۳.

۲۱. بدلیسی، ج ۲، ص ۱۱۷.

هنگامی که ظاهراً عازم قلمرو حکومت پدر خود بود درگذشت.<sup>۱</sup> منابع تاریخی از تاریخ تولد احمد بیگ هیچ اطلاعی به دست نداده‌اند. ابوبکر طهرانی<sup>۲</sup> از تولد یکی از پسران اوزون حسن به نام محمد بیگ یاد می‌کند که او را به سبب خوش شگونی تولدش اوغورلو لقب داده‌اند و زمانی که وی با پدر خود یعنی اوزون حسن به مخالفت برخاست به اوغورسیز (بدشگون) ملقب شد. از آنجا که به روایت حسن بیگ روملو قیام اوغورلو محمد بر ضد پدر در ۸۷۸ بوده<sup>۳</sup> و با توجه به این نکته که اوغورلو محمد در ۸۸۲ درگذشته است می‌توان چنین پنداشت که احمد بیگ در میان سالهای ۸۷۹ تا ۸۸۲ متولد شده باشد. اگر این احتمال را بپذیریم نوشته پطروشفسکی<sup>۴</sup> مبنی بر اینکه احمد بیگ در ۹۰۲ هجری، ۲۵ ساله بوده قابل تأمل است. احمد آق قویونلو در ۹۰۲ در صدد برآمد تا از مبارزات درونی دولت آق قویونلو و بی‌علاقگی مردم نسبت به رستم پادشاه و آیه سلطان بهره‌گیر و قدرت را در دست خود متمرکز نماید.<sup>۵</sup> در همین سال حسین بیگ علیخانی یکی از امیران آق قویونلو که داماد احمد بیگ بود به عثمانی رفت تا به سلطان بایزید دوم (۸۸۰-۹۱۸) سلطان وقت عثمانی اطلاع دهد که آذربایجان و عراق بیدفاع مانده‌اند و پیشنهاد کرد که احمد بیگ وارث این قلمرو پادشاهی، به همراه سپاهیان عثمانی به این سرزمینها اعزام شود. سلطان بایزید فکر سلطنت بر این دو ایالت را پسندید و پیشنهاد حسین بیگ - علیخانی را پذیرفت.<sup>۶</sup> احمد بیگ آق قویونلو به همراه

۱. غفاری، ص ۲۵۳؛ نیز نگاه کنید به:

H.R. Roemer, "Das Türkmenische Intermezzo: Persische geschichte zwischen Mongolen und Safawiden", *Archaologische Mitteilungen aus Iran*, 1976, vol. IX, p.222.

۲. ابوبکر طهرانی، ج ۱، ص ۱۶۳.

۳. روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، چاپ عبدالحسین نوائی، تهران ۱۳۴۹، ص ۵۴۵.

4. Petrushevsky, "Vnyutrennyaya ...", p.149. 5. *ibid*, p.149.

6. V.Minorsky, "The AQ-Qoyunlu and Land Reforms", p.237.

حسین بیگ به آناتولی رفت. در ارسنجان طرفداران احمد که از پیش مرکبهایی را برای لشگرکشی به آذربایجان آماده کرده بودند به کمک حسین بیگ علیخانی شتافتند.<sup>۱</sup> در همین هنگام آیه سلطان که زمینه پادشاهی رستم بیگ آق قویونلو را فراهم کرده بود، از رستم بیگ گسست و به احمد بیگ پیوست. احمد سپاهیان رستم بیگ را درهم شکست و خود در اول رمضان ۹۰۳ در تبریز بر تخت شاهی تکیه کرد. در مسجدهای تبریز برای نخستین بار خطبه به نام سلطان احمد آق قویونلو خوانده شد.<sup>۲</sup> حسین بیگ علیخانی که بعد از روی کار آمدن سلطان احمد به قدرتمندترین امیران او بدل شده بود به دلایل شخصی مظفر پُرناک را کشت،<sup>۳</sup> اما خود او چندی بعد یعنی از اول محرم ۹۰۳ با چند امیر دیگر که سلطان جدید خود را از غدر آنان ایمن نمی دید به قتل رسید<sup>۴</sup> و بالعکس آیه سلطان به پاس یاری به احمد آق قویونلو به فرمانروایی رسید، حسن بیگ روملو درباره فرمانروای جدید آق قویونلو می نویسد: احمد پادشاهی رعیت پرور بود و در دوره او دریافت مالیات متروک شد. او نوشیدن شراب را ممنوع کرد و بزرگان دربار خود را از شُرب آن بازداشت.<sup>۵</sup> عبارات پُر طمطراق اما ساده لوحانه روملو تصویر روشنی درباره خط مشی اجتماعی و سیاست داخلی احمد آق قویونلو را به دست می دهد.<sup>۶</sup> او میل داشت بیش از هر چیز قدرت دولت مرکزی را به نفع بزرگان قبایل ترکمن افزایش دهد، در حقیقت این گونه تمرکز دولتی دولت عثمانی آن روزگار را با توفیق بسیار قرین ساخته بود. این سیاست احمد آق قویونلو البته نمی توانست از سوی امیران ترکمن با موافقت تلقی شود، در نتیجه آنان احمد آق قویونلو را متهم کردند که قوانین سلسله عثمانی را نصب العین خود قرار داده است.<sup>۷</sup> احمد بیگ آق قویونلو بر آن سر بود که در

1. petrushevsky, op.cit, p.149. 2. ibid, p.149.

۳. روملو، ۱۳۵۷، ص ۲۶. ۴. خورشاهین قباد حسینی، ص ۱۴.

۵. روملو، ۱۳۵۷، ص ۳۲. ۶. همان، ص ۳۲.

۷. غفاری، ص ۲۵۵؛ بدلیسی، ج ۲، ص ۱۳۰.

مبارزه با چادر نشینان ترکمن از مردم آذربایجان و نیز از دیوانسالاران غیرنظامی و روحانیون آن عصر بهره گیرد. بدین جهت به حمایت از اندیشمندان و شاعران پرداخت<sup>۱</sup> و چون شیخ ضیاء الدین اردوبادی متخلص به ضیائی (درگذشت ۹۲۷) که همروزگار سلطان یعقوب و از دست پروردگان امیر علیشیر نوائی بود به تبریز رفت و قصیده‌ای به نام احمد آق قویونلو ساخت «یک بدره زر به وی عنایت نمود»<sup>۲</sup>.

حسن بیگ روملو برای نشان دادن احترامی که احمد آق قویونلو برای علما قائل بود، می‌نویسد: «احمد بیگ به مولانا جلال الدین محمد دوانی و میرصدرالدین محمد به جای [حکم] کتابت می‌نوشت و مهر بر عقب کتابت می‌زد و بر آن بود که قانون عدالت پدید آورده، دست ترکان را از سر عجزه و رعایا کوتاه سازد»<sup>۳</sup>. او که مردی عاقل و فعال بود بخوبی دریافت که اصلاحات مالیاتی و تسهیل در وضع مردم بویژه کشاورزان می‌تواند برای او به صورت تکیه‌گاهی در مبارزه با سران چادر نشینان باشد.<sup>۴</sup>

از اصلاحات مالیاتی احمد آق قویونلو دانسته‌های دقیق در دست است، او تنها مالیات‌هایی را باقی گذاشت که طبق اصول شریعت دریافت آنها مجاز بود، این مالیات‌ها عبارت بودند از مالوجهات (خراج از زمین) یا به جای آن مالیات از زمین به صورت عشر از محصول زکاة و جزیه، با این عمل حدود بیست نوع مالیات که با شریعت سازگاری نداشت و از زمان ایلخانان مغول رایج بود ملغی شد.<sup>۵</sup> اینها عبارت بود از سرانه، مالیات خانواده از مسلمین، انواع مالیات‌های اندک دیگر که برای رعایا سنگین بود و نیز مالیات‌هایی مشهور به اخراجات و بیگار. این نکته قابل توجه است که این گونه اصلاحات برای نخستین بار از طرف احمد آق قویونلو اعلام نشده بود. احمد بیگ که

1. Petrushevsky, "Vnyutrennyaya ...", p.150.

۲. روملو ده بیت از این قصیده را نقل کرده است: برای اشعار ضیاء اردوبادی نگاه کنید به: روملو، ۱۳۵۷، ص ۲۶-۲۷. ۳. همان، ص ۳۲.

4. Petrushevsky, op.cit, p.150. 5. ibid, p.150.

می‌خواست از حمایت دهقانان آذربایجان بهره‌مند شود، یکی از خواسته‌های عمده محیط دهقانی را به کار گرفت. وی قوانین توارث در امر سُیورغال را که از سوی امیران قراقویونلو تنفیذ شده بود تغییر داد و هدفش از عدم تأیید مقرری سُیورغال که از سوی فرمانروایان پیشین تأکید شده بود، ضربه زدن به اشراف ترکمان بود. از نوشته خواندمیر<sup>۱</sup> چنین برمی‌آید که این تدبیر دست کم نسبت به روحانیون یا نمایندگان روحانیت اعمال نمی‌شد. بنابراین به نظر می‌رسد که این سیاست احمد آق قویونلو بویژه بر ضد اشراف نظامی بوده است نه علیه طبقه فئودال.<sup>۲</sup>

احمدبیگ که از برخورد دشمنانه امیران ترکمن نیک آگاه بود، بر آن شد تا مخالفان خود را از سر راه بردارد، به گفته روملو سلطان آق قویونلو «هر چند روز، یکی را به قتل می‌آورد».<sup>۳</sup> چنین به نظر می‌رسد که احمد در آذربایجان موفق شد تا سران نظامی ترکمن را به تابعیت خود وادارد و آنان را به خود وابسته کند، اما در نواحی دور از مرکز دولت - عراق عجم و فارس - امیران نظامی ترکمن به ریاست آیبه سلطان و قاسم‌بیگ پُرناک سر به شورش برداشتند. این دو بر آن شدند تا مرادسلطان، فرزند سلطان یعقوب و پسر عموی احمدبیگ را که در شیروان بود به پادشاهی فراخوانند.<sup>۴</sup> آنان پول فراوانی از مردم بویژه از دو مشاور احمد پادشاه به نامهای صدرالدین - محمود و جلال‌الدین دوانی به چنگ آوردند.<sup>۵</sup> روشن است که شورشیان به منظور جبران درآمدهای کاهش یافته خویش که حاصل اصلاحات احمد آق قویونلو بود قیام کردند. احمد که از این معنی آگاهی یافت به عزم دفع ایشان در زمستان، آهنگ عراق کرد و آنان نیز از شیراز با اندک سپاهی قصد او

۱. خواندمیر، ج ۴، ص ۴۴۳؛ نیز نگاه کنید به: روملو، ص ۳۲.

2. I. Petrushevsky, *ibid*, p.151.

۳. روملو، ۱۳۵۷، ص ۳۲.

۴. جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)، چاپ اللهدنا مضطر، اسلام‌آباد ۱۹۸۶، ص ۷۷.

۵. روملو، ۱۳۵۷، ص ۳۲.



کردند. در تحفة التواریخ آمده «لشگر عظیم جهت محاربه به سلطان جمع ساختند»<sup>۱</sup>. جنگ احمد با شورشیان در نزدیکی اصفهان در محل خواجه حسن ماضی در تاریخ پنجشنبه ۱۷<sup>۲</sup> ربیع الآخر ۹۰۳ روی داد. در این نبرد سلطان احمد شکست یافت و به همراه مرادش شیخ نقطه چی اوغلی<sup>۳</sup> و بسیاری از نزدیکانش در ۱۸ ربیع الثانی ۹۰۳ کشته شدند.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد که مرگ او حاصل خیانت امیران سپاه خود او بوده است.<sup>۵</sup> مرگ احمد موجب انتقامجوییهای آمیخته با خونریزی نسبت به طرفداران او شد.<sup>۶</sup> او با امیران دریاری میانه‌ای نداشت و هرگز آلت دست آنان نشد. قزوینی از ارادت وی به شیخ نقطه چی اوغلی سخن می‌گوید و می‌نویسد: با او به طریق ارادت و ادب سلوک می‌کرد و از سخن و صوابدید او تجاوز نمی‌فرمود، اما امساک بر طبیعت شیخ غالب بود و در اجرای شیورغالات که اجداد و اعمام او و سلاطین ماضی بر مردم انعام فرموده بودند<sup>۷</sup> همه را مسترد ساخته بود که هرکس نزد شیخ رود و استحقاق خود ثابت کند به قدر احتیاج چیزی از برای او مقرر سازند. از این سبب طباع خاص و عام از پادشاه و شیخ نافرجام متنفر شد و این صورت برایشان مبارک نیامد و به اندک زمانی خلل در قواعد سلطنت‌اش راه یافته و به زوال انجامید.<sup>۸</sup> از این رو سران ترکمان و استاجلو اندک اندک از او بریدند و نهانی توطئه آغاز کردند. از ویژگیهای احمد آق قویونلو پرهیزگاری او بود و هم بدین سبب مانع اجرای فرامینی می‌شد که

۱. ابراهیم بن جریر، ص ۴۰۰.

۲. برای روایت دیگر مقایسه کنید با: ابن کربلایی، حافظ حسین، *روضات الجنان و جنات الجنان*، چاپ جعفر سلطان‌القرایی، تهران ۱۳۴۴ ش، ج ۱، ص ۵۲۶.

۳. درباره اینکه شیخ نقطه چی اوغلو با احمد آق قویونلو از عثمانی آمده بود و یا اینکه با نقطویان حروفی ارتباطی داشته، دانسته‌های روشنی در دست نیست. به گفته مینورسکی خود نام شیخ نقطه چی اوغلو عجیب بوده و بر نکاتی دلالت دارد.

V. Minorsky, "The AQ-Qoyunlu ...", p.240, note 4.

۴. قزوینی، ص ۳۷۳؛ تنوی، ص ۵۶۶. ۵. خورشاه بن قباد حسینی، ص ۱۴.

6. Petrushevsky, op.cit, p.152.

۷. قزوینی، ص ۳۷۲. ۸. خورشاه بن قباد حسینی، ص ۱۴.

شاهان پیشین جهت اعطای سُیورغالات صادر کرده بودند. این روش سرانجام خوبی برای او نداشت.<sup>۱</sup> روحیات دشمنان احمد را یکی از شعرا به نظم آورده و حسن بیگ روملو،<sup>۲</sup> احمد غفاری،<sup>۳</sup> تتوی<sup>۴</sup> و منجم باشی<sup>۵</sup> بدون ذکر نام شاعر، آن بیت را نقل کرده‌اند.

کلم روم که سلطان جهانش کردند

فصل دی آمد و در خاک نهانش کردند.<sup>۶</sup>

اشاره به این دارد که احمد آق‌قویونلو از عثمانی به تبریز رفت.<sup>۷</sup>

بزرگترین بزه این پادشاه آن بود که می‌خواست به روش نیای خویش اوزون حسن، مالیاتهای سنگین را منسوخ و دست ستمگران را از ستم فرودستان کوتاه سازد. بدین جهت، به تغییر سیاست مالی کشور پرداخت.<sup>۸</sup> اعتقادش به این امر به گونه‌ای استوار بود که کندن ریشه ستم را بر سبیل شعاری روی نگین خود نقش کرده بود. نیز به تقلید عم‌اش سلطان یعقوب، حُکمها و فرمانهایی را که در گذشته برای بخشیدن سُیورغالها به بزرگان کشور و سرداران و امیران سپاه صادر شده بود، لغو کرد. گزارشهایی که مورخان آن روزگار به دست می‌دهند، از عدالت خواهی او حکایت دارد، اما اینکه او توفیق یافته است که در دوران پادشاهی خود نیات خویش را جامه عمل بپوشاند یا نه، دانسته نیست.<sup>۹</sup> قاضی احمد غفاری معتقد است که سیاستهای احمدبیگ «به طریق روم»<sup>۱۰</sup> (روشهای عثمانی) استوار بود.

دوران اجرای اصلاحات احمد آق‌قویونلو بسیار کوتاه بود و دوامی

1. Minorsky, op.cit, p.240.

۲. روملو، ص ۳۲. ۳. غفاری، ص ۲۵۶. ۴. نویدی، ص ۵۶۶.

۵. منجم باشی، ص ۳۵۹.

۶. ابن کربلایی کشته شدن احمدبیگ را در فصل زمستان تأیید کرده است، نگاه کنید به:

ابن کربلایی، ج ۱، ص ۵۲۶. ۷. بدلیسی، ج ۲، ص ۱۳۰.

8. Minorsky, op.cit, 240. 9. ibid, p.240.

۱۰. غفاری، ص ۲۵۵.

نیافت، او تنها هفت ماه حکومت کرد، پس از قتل وی شیوه‌های قبلی احیاء شد.<sup>۱</sup> گزارشهایی که در بالا آورده شد از گرایش کلی روشهای مردمی او حکایت می‌کند و نمی‌توان گفت که او در دوران پادشاهی خود فرصت آن را داشته است که این روشها را به صورت قوانینی مدوّن درآورد یا نه؟<sup>۲</sup>

این نظر قاضی احمد غفاری<sup>۳</sup> که سیاستهای احمد بیگ بر روشهای عثمانی استوار بود ممکن است نتیجه استنباط مورخ مذکور از این واقعیت باشد که احمد بیگ در عثمانی نشو و نما یافته که خالی از حقیقتی نیست، اما باید در نظر داشت که نفوذ مردی به نام عجیب نقطه چپی او غلو که در پشت پرده حامی تخت سلطنت احمد بود وی را بدین کار وامی داشت.

احمد آق قویونلو چهره‌ای سرخ و سفید و قامتی کوتاه داشت و به همین دلیل او را گوده احمد<sup>۴</sup> می‌نامیدند. بیشتر تاریخنگاران هم‌روزگار احمد بیگ، او را به عنوان پادشاهی رعیت دوست و هنرپرور ستوده‌اند،<sup>۵</sup> اما به عنوان نغمه‌ای ناموزون در این همسرانی مورخان باید از مولانا مصلح‌الدین لاری<sup>۶</sup> یاد کرد. به گزارش وی احمد بیگ شاهزاده‌ای بود با خباثی استثنایی که در حرص و طمع با مادر<sup>۷</sup> کوس برابری می‌زد و در دنانت شهره آفاق بود. پس از کشته شدن احمد، حکومت آق قویونلو دچار پریشانی و تشتت شد و به نوشته لب‌التواریخ<sup>۸</sup> «اتفاق ایشان به نفاق تبدیل یافت» و هیچ یک از گروههای ناراضی در قلمرو آن به رسمیت شناخته نشدند.<sup>۹</sup> با مرگ

1. I. Petrushevsky, *ibid*, p.152.

۲. غفاری، ص ۲۵۵. ۳. روملو، ص ۳۲. ۴. غفاری، ص ۲۵۶.  
 ۵. قزوینی، ص ۳۷۲؛ روملو، ص ۳۲؛ ابراهیم‌بن جریر، ص ۴۰۰؛ منجم‌باشی، ص ۳۵۹؛ خورشاه‌بن قباد حسینی، ص ۱۳. ۶. مصلح‌الدین لاری، ص ۲۳۰ الف.  
 ۷. مادر کسی است که آبشخور خود را با نجاست خود می‌آلود تا کسی جز خود او از آن آب نگیرد. برای مفهوم این واژه نگاه کنید به: ابن‌درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغه*، حیدرآباد دکن ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۲۵۷؛ ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغه*، چاپ یعقوب عبدالنسی و محمد علی النجار، قاهره ۱۹۶۶، ج ۱۴، ص ۱۲۲؛ ابن‌منظور، محمد بن مکرم، *لسان‌العرب*، قم ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۶۳. ۸. قزوینی، ص ۳۷۳.

9. *Encyclopaedia Iranica*, "Aqqoyunlu", (by R. Quiring-zoche), p.168.

احمد بیگ امیران بایندری به قتل یکدیگر دست یازیدند. محمدی میرزا و الوند میرزا فرزندان یوسف میرزا برای دستیابی به حکومت از سران نیرومند قبایل یاری جستند. محمدی میرزا به کمک مراد بیگ و اشرف بیگ بر حاکم شیراز چیره شد و شیراز را به منصور بیگ افشار واگذارند، ولی اندکی بعد از الوند میرزا شکست یافت و به حاکم فیروزکوه و رستم‌دار پناه بُرد.<sup>۱</sup> محمدی میرزا با نیروهایی که حاکم فیروزکوه در اختیار او نهاده بود بر الوند میرزا غلبه کرد و در ۹۰۴ بر تخت نشست.<sup>۲</sup> زوال حکومت آق‌قویونلو<sup>۳</sup> در ایران در پاییز ۹۰۷ آغاز شد و با کشته شدن سلطان مراد آخرین امیر این سلسله به پایان رسید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. جهانگشای خاتان (تاریخ شاه اسماعیل)، ص ۱۶۹ به بعد؛ خواندمیر، ج ۴، ص ۴۴۴-۴۴۵؛ قزوینی، ص ۳۷۳ به بعد. ۲. خواندمیر، ج ۴، ص ۴۴۴؛ ابن کربلانی، ج ۱، ص ۵۲۷.  
3. Jean Aubin, "L'avènement des Safavrides", *Moyen Orient and Océan Indien*, Paris, 1988, p.16ff; Woods, op.cit, pp. 170-173.